



□ آقای طالبی قبل از هر مطلبی بفرمایید از کسی به فیلمسازی روی آوردید؟

■ من از ۱۲ سالگی وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شدم و حدود ۵ سال در زمینه فیلمسازی کار کردم و نزدیک به ۵ فیلم هشت میلی متری ساختم که از این میان فیلم «من حرفی دارم» که فقط بچه‌ها باور می‌کنند، در جشنواره‌ای در فرانسه شرکت کرده و جایزه اول را گرفتم. بعد از این فعالیت‌ها در کانون به تلویزیون رفتم و در آنجا حدود ۴ فیلم شانزده میلی متری ساختم و بعد وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شدم و در رشته سینما تحصیل کردم و بعد سینمای حرفه‌ای را با «شهر موش‌ها» شروع کردم. و بعد از آن خط پایان و برهوت سریال گل پامچال و چکمه و تیک تاک را ساختم و در حال حاضر هم مشغول آماده سازی یک فیلم سینمایی برای کودکان هستم.

□ چه انگیزه‌ای باعث شد که بعد از دو فیلم خط پایان و برهوت جذب سینمای کودکان شوید؟

■ من تقریباً از زمانی که در کانون به عنوان هنرجو بودم و سیاست کانون هم که می‌دانید برنامه‌ریزی روی کودکان بود و این خیلی روی من تأثیر گذاشت و تقریباً تمام فیلم‌های هشت میلی متری که ساختم مربوط به کودکان و جوانان بود و بعد هم که شهر موش‌ها را ساختم که باز به بچه‌ها ربط داشت. فیلم خط پایان را صرفاً برای ورود به سینمای حرفه‌ای ساختم و همینطور فیلم برهوت را. البته در برهوت و حتی در خط پایان هم لحظاتی وجود دارد که مربوط به بچه‌ها می‌شود. بطور کلی همیشه جذب این نوع سینما بوده‌ام که شاید زمینه اصلی آن زمینه فکری من در کانون بود. چون در آنجا همه اهداف روی بچه‌ها متمرکز می‌شد.

□ سینمای کودک در ایران تعریف مشخص و خاصی ندارد. گاهی فیلمی که برای بزرگسالان ساخته می‌شود به کودکان هم تعمیم داده می‌شود. می‌خواستم تعریفی از سینمای کودک بدهید؟

■ بطور کلی در خیلی از کشورها راجع به کودکان فعالیت‌ها بسیار کم است. ضمن اینکه برخی از کشورها تولیداتی هم دارند. من فکر می‌کنم با توجه به شرایطی که کشور ما دارد و درصد بالایی را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند طبعاً باید در این زمینه کار بشود و برای آن‌ها فیلم ساخته بشود. ما وقتی برای آن‌ها فیلم می‌سازیم در واقع اهدافی دراز مدت را مدنظر داریم مثلاً برای ۲۰ سال آینده برنامه‌ریزی می‌کنیم که این بچه‌ها تحت تأثیر این کارها قرار بگیرند و دیدشان نسبت به فرهنگ جامعه تغییر کند. من فکر می‌کنم که ایران بعد از انقلاب در این زمینه حرکت خیلی مثبت و پویایی را شروع کرده البته قبل از انقلاب هم در کانون فعالیت‌هایی می‌شد و مثبت هم بود و کارهایی انجام داده بودند که موفق هم بود ولی گه گاه آن کارها با مسائل سیاسی قاطعی می‌شده به دلیل اینکه کلاً کشورهایی که مشکلات بیانی برای هنرمندان داشته باشند آنها کشیده می‌شوند به سینمای کم در دستر که آن هم سینمای کودک است و سعی می‌کنند که حرف‌هایشان را در این قالب سینمایی بزنند. قبل از انقلاب ما همچنین فضایی داشتیم و فیلمسازی که نمی‌توانستند حرف‌هایشان را در فیلم‌های بلند بزنند در فیلم‌های کودکان می‌زدند که البته فکر می‌کنم این تعریف درستی از سینمای کودک نباشد. اما بعد از انقلاب این حرکت بطور پویاتری انجام شد که با فیلم شهر موش‌ها شروع شد و آمدند یک تصمیم‌گیری‌هایی کردند که بیائیم فیلم بسازیم برای کودکان و کودکان را به سینما بکشانیم تا بچه‌ها از فیلم لذت ببرند و آموزش هم ببینند و تفریح هم بکنند. به نظر من این جریان مثبت بود به غیر از یک درصدی که حالا می‌گویم. یعنی ساختن فیلم‌های شاد فانتزی عروسکی برای کودکان خیلی لازم است. ساختن فیلم‌های آموزشی تربیتی که راجع به زندگی و مشکلات و شرایط بچه‌ها در مدرسه و یا خونه خیلی لازم است و باید در این زمینه‌ها بطور کلی کار بشود. و همینطور در زمینه فیلم‌های تخیلی، به نظر من همه این‌ها لازمه و بعد از انقلاب هم در همه این زمینه‌ها کار شد و خوب یک نوع فیلم‌هایی هم کار شد مثل خانه دوست کجاست و کلید که این‌ها مسائل بچه‌ها را مطرح می‌کرد و بیشتر برای بزرگترها بود. یعنی یک نوع آموزش بود برای اولیاء که این هم حرکت مثبتی بود که ما برای بزرگترها فیلم بسازیم و مسائل بچه‌ها را نشان بدهیم. مثلاً وقتی فیلم مشق شب ساخته می‌شود برای این است که به اولیاء مدرسه گفته شود که نباید اینقدر تکالیف و مشق شب را به صورت سنگین به بچه‌ها بدهند و باید یک تغییری در سیستم آموزش و پرورش داده شود و این نهایتاً به نفع بچه‌هاست و خوب شاید لازم باشد که خود بچه‌ها هم فیلم را ببینند و هیچ اشکالی هم ندارد. در کنارش هم یک نوع سینمایی هست که کودک آن را می‌بیند و استفاده می‌کند.

□ چه نوع استفاده‌ای؟ ببیند وقتی ما فیلم می‌سازیم که بزرگترها ببینند و یاد بگیرند که با بچه‌ها چگونه برخورد داشته باشند. خوب این یک بحث دیگه است. اما سوال این است که چرا سینمای کودک؟ چرا برای بچه‌ها فیلم بسازیم؟

■ ببینید من اصلاً با این تقسیم‌بندی‌ها موافق نیستم. من معتقدم یک نوع سینمایی هست که برای بچه‌ها فیلم می‌سازد و به آن‌ها آموزش می‌دهد. چی آموزش می‌دهد؟ مثلاً فرض کنید یک بچه ممکن است در محیط مدرسه مشکلاتی برایش پیش آید، در ارتباطش با



فیلمسازان اهمیت فانیید. می‌خواستیم در مورد نقش ادبیات در سینما توضیح بدهید؟ بخصوص در سینمای کودکان.

■ برای اینکه به این سوال جواب بدهم باید یک تاریخچه کوتاهی از ادبیات کودکان بدهم. یعنی به نظر من نمی‌توانیم روی یک موضوعی بحث کنیم بدون اینکه تاریخ آن را بررسی نکرده باشیم، چون ما می‌توانیم در این تاریخ یک چیزهایی را پیدا کنیم و بعد از آن‌ها استفاده کنیم برای آینده کارمان، همیشه گرفتاری ما این بوده که تاریخمان را قطع کرده‌ایم. ادبیات کودکان یک سیری را قبل از انقلاب داشته. شما می‌بینید که یک سری کتاب در این زمینه برای کودکان کار می‌شد که بخش عمده آن در کانون بود و این کتاب‌ها هم در خط همان فیلم‌ها بود. یعنی عمدتاً به مسائل سیاسی و سمبلیک می‌پرداخت و کمتر کتابی بود که بچه‌ها بتوانند مستقیم از آن‌ها استفاده کنند و نسبت به فیلم هم حجم بیشتری داشت ولی نویسندگان شاخصی را نمی‌توانیم مشخص کنیم. الا چند نفری که زحمت کشیدند و کارشان هم خوب بود. ولی بعد از انقلاب کسی که خیلی مستقیم به این مسئله پرداخت و کارش هم با ارزش است و قصه‌های خوب و قوی نوشت آقای مرادی کرمانی بود. البته نویسندگان جوان دیگری هم هستند که زحمت کشیده‌اند ولی ایشان خیلی جدی با این قضیه برخورد کرد و مثلاً همین ۵ کتابی که با عنوان قصه‌های مجید هست که ماندنی است در ادبیات کودکان ما. من احساس می‌کنم که سینما برای کودکان باید جاذبه داشته باشد جاذبه یعنی چه؟ یعنی قصه. این‌ها به هم وصل است. ما باید بدانیم که فیلمسازی برای بچه‌ها نیازمند داشتن داستان دراماتیک محکم است چون اگر این را نداشته باشیم بچه خوابش می‌برد روی صندلی سینما. ضمن اینکه اگر فیلمسازی بتواند مثل امیر نادری فیلم ضد قصه‌ای مثل دونه بسازد از نظر من قابل ارزش است. و دیدنی و جذاب است. چون که داستان ندارد و سبک سینمایی خاصی را هم دنبال می‌کند ولی بهر صورت یک نوآوری خاصی کرده و فیلم خاصی برای بچه‌ها ساخته. این نوع سینما را هم من دوست دارم. چون هنر را نمی‌شود در یک محدوده مشخص دنبال کرد. هنر کار گسترده‌ای است. شما هیچ وقت نمی‌توانید به یک نقاش بگویید مثلاً طبعت را باید اینجوری نقاشی کنی. چون هرکس یک برداشتی از طبیعت دارد. خدا هم همه چیز را مثل هم خلق نکرده. مثلاً همه چیز را آبی یا زرد نیافریده. من از این تنوع خلقت نتیجه می‌گیرم که تنوع در همه چیز هست و باید باشد و ما نمی‌توانیم طردش کنیم. نمی‌توانیم بگوییم این سبک فیلم ساختن

معلم با پدر و مادر با دوستانش. و این اگر بتواند با یک زبان خوب و شیرین و آموزنده برای بچه‌ها مطرح شود می‌تواند یک کمکی به بچه‌ها بکند. ضمن اینکه نباید خیلی خشک و نصیحت‌گونه باشد. آن نکات آموزنده‌ای که در فیلم وجود دارد باید یک طوری برای بچه‌ها مطرح بشود که بچه فکر نکند این جا کلاس درس است و از فیلم فراری بشود. باید جذابیت داشته باشد. من کلاً این نوع سینما را دنبال می‌کنم. بعلاوه یک مطلب کوچک دیگر در کنارش و آن اینکه محتوای اثر برای بزرگسالان است. یعنی محتوایی که جنبه‌های اجتماعی را هم در نظر بگیرد جنبه‌های جامعه‌شناسی را هم در نظر بگیرد. یعنی یک فیلم باید بتواند شرایط اوضاع اجتماع، نقد اوضاع اجتماعی را داشته باشد. اگر ما بتوانیم این‌ها را در یک فیلم بگوئیم و بچه‌ها هم بتوانند از این فیلم استفاده بکنند، بزرگترها هم بتوانند استفاده بکنند و فیلم برای عموم قابل استفاده باشد این را من کار هنری می‌دانم. یعنی مردم پول بدهند و فیلم را ببینند، اینطور نشود که فیلم برود در دو تا جشنواره شرکت کند و احياناً جایزه‌ای هم بگیرد. اصلاً اهمیت ندارد که فیلم فقط برای جشنواره باشد. شما نمی‌توانید بگوئید فیلم سفر جادویی فیلم بدی است چون مردم پول داده‌اند و رفته‌اند تماشا کرده‌اند و فیلم فروش کرده است. این فیلم به نظر من از آن فیلم‌هایی است که باید روی آن انگشت گذاشت. برای اینکه دو تا مسئله را دارد دنبال می‌کند. یکی تنبیه بزرگسالان است که بچه‌ها را اذیت می‌کنند، یکی هم برخورد بچه‌ها با آن تنبیه است. فیلم را وقتی نمایش می‌دهند هم بچه و هم پدرش از این فیلم یک چیزی یاد می‌گیرند. ضمن اینکه فیلم جذاب است و زبان خشن و سیاه هم ندارد. ولی پشت آن هم یک نکته آموزشی دارد. یک نوع سینمای دیگر هم هست که سینمای بی‌دردسر است. یعنی رسماً بزن و یکوب و آواز و بچه را فقط سرگرم می‌کند. این سینما را من حقیقتش نمی‌توانم باهاش کنار بیايم. یعنی فکر می‌کنم که فیلم سینمایی اگر ساخته می‌شود برای بچه‌ها، حتماً باید یک نکاتی را در خودش داشته باشد و بتواند ارزشی را در جامعه مطرح کند. در غیر این صورت چه فرقی می‌کند سینمای ما با سینمای هالیوود. ساختن فیلم تخیلی هیچ ایرادی ندارد. ساختن فیلم تفریحی برای بچه‌ها باید باشد ولی ما فیلمسازی مثل چاپلین را می‌خواهیم که مخ اینکار را داشته باشند. بیایند یک فیلم سرگرم کننده پر از خنده برای بچه و بزرگ و همه بسازند ولی یک اندیشه قرص و محکم پشت آن باشد. □ متشکر. من در فیلم‌هایی که شما ساخته‌اید دیده‌ام که به ادبیات داستانی

باشد و این سبک نباشد. اصلاً تر صادر کردن غلط است. وقتی که ما از مطلق‌گرایی دربیانیم، آن وقت است که می‌توانیم حساب کنیم روی رشد خیلی از مسائل. برای همین من برای آنکسی که فیلم جنگی می‌سازد و آنکه فیلم فانتزی می‌سازد احترام قائل هستم و با همه دوست دارم بنشینم و گپ بزنم ولی در کنارش خط فکری خودم را هم حفظ می‌کنم.

□ آقای طالبی جشنواره امسال را چگونه می‌بینید؟

■ من مطلبی که دارم این است که این جشنواره که برگزار شد و خوب هم بود و نسبتاً تلاش هم شده که جشنواره روی پا نگه داشته شود ولی متأسفم از اینکه چرا بعد از ده سال باید امید داشته باشیم که فقط این جشنواره روی پیش به‌استد؟ این جشنواره در دهمین سال باید در اوج شکوفایی باشد. مسئولین باید فکر کنند. باید دقت کنند. این جشنواره‌ها ساده بوجود نیامده، جشنواره اصفهان و جشنواره فجر ساده بدست نیامده باید این‌ها را حفظ کنیم. این‌ها سنگرهای فرهنگی ماست. من چیزهای ابلهانه‌ای شنیدم که مثلاً پول نداده‌اند، حمایت نکرده‌اند. این‌ها آدم را ناراحت می‌کند. آدم فکر می‌کند چرا نباید در مسائل فرهنگی که گفته شده نباید خست بخرج بدهیم و باید بدون در نظر گرفتن ملاحظات پول خرج بکنیم و حتی اگر ضایعاتی هم بدنبال داشت انجام بشود چون فرهنگ ارزش این را دارد و چیزی مثل فرهنگ نیست. و بارها هم گفته شده فرهنگ زیر بناست و باید حفظ شود. اینجاست که احساس خطر می‌شود اگر بینم یک کسانی می‌خواهند قضیه را ضعیف کنند. این جشنواره باید حفظ بشود و به صورت بین‌المللی برگزار شود. ما نمی‌توانیم دور خودمان حصار بکشیم و با خارج از مرزها کاری نداشته باشیم. اینجوری می‌شود یک جور درون‌گرایی و لطمه می‌بینیم. ما باید بتوانیم ارتباطمان را حفظ کنیم و امیدوارم که سال آینده جدی‌تر و مفصل‌تر و با دقت و برنامه‌ریزی بهتر برگزار شود.

## بیانیه هیئت داوران

### دهمین جشنواره بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان

سینمای کودک و نوجوان، نقشی اساسی در رشد و انحطاط فرهنگی نسل آینده دارد، و سینماگران آن نقاشانی هستند که بر زلال ذهن کودکان نقش می‌زنند... از یاد نبریم که:

۱- آشنا ساختن نسل آینده با هویت ملی و مذهبی خویش از مهمترین مسئولیتهای ماست. باورها و آرمانهای اعتقادی، غنای محتوایی و قابلیت‌های نمایشی آثار پیشینیان، گنجینه عظیمی است که می‌تواند الهام بخش سینماگران کودک و نوجوان باشد.

۲- شناساندن هویت اجتماعی به کودکان و نوجوانان، آشنا ساختن آنها با هر آنچه که می‌تواند سازنده آینده باشد، عشق به زندگی، حفظ شادی و طراوت و نشاط کودکان، با در نظر گرفتن ظرفیتهای روانی آنها، مسئولیت دیگر این سینماست.

۳- پرداختن به مفاهیم مقدس و تعالی، تلاش در خور تقدس و تعالی آن مفاهیم را می‌طلبید. هر چند فیلمهای شرکت کننده در جشنواره که به موضوعاتی چون دفاع مقدس پرداخته‌اند، ارزشمند و قابل تقدیرند، اما این امر نباید موجب نادیده گرفتن کامیتهای تکنیکی شود. این موضوع به ویژه در مورد مخاطبان سینمای کودکان که نجارب بزرگسالان را ندارند، امری خطیر است.

۴- قالبهای جذاب و به کارگیری تکنیکهای متنوع، علاوه برآنکه به ایجاد حس و رساندن معنای مطلوب کمک می‌کند، به گستره این سینما می‌افزاید، لذا هیئت داوران توجه سینماگران را به رعایت ایجاز و بهره‌گیری از قالبها و تکنیکهای جذاب و متنوع جلب می‌کند.

۵- آثار شرکت کرده در جشنواره، علی‌رغم داشتن ارزشهای فنی و تکنیکی، از ضعف «فیلمنامه» آسیب دیده‌اند. بر این اساس هیئت داوران توجه جدی دست اندرکاران سینمای کودک و نوجوان را به رفع این مشکل لازم می‌داند.

۶- حذف حمایت‌های مالی از یک سو و فزونی قیمت تمام شده ساخت فیلمها از سوی دیگر، خطر نفوذ معیارهای مالی را در غلبه بر عناصر فرهنگی سینمای کودک و نوجوان افزایش می‌دهد و در این صورت، افت کیفیت این سینما را تهدید می‌کند. از آنجا که سینمای کودکان و نوجوانان بیش از هر چیز باید فعالیتی فرهنگی باشد، این مهم جز با حمایت نهادهای دولتی محقق نخواهد شد.

در پایان، با دلی به اندوه نشسته، یاد سید علی سجادی حسینی را که در سنگر تصویرگری جنگ جان باخت گرامی می‌داریم و برای دیگر رهروان این راه که در دهمین جشنواره نیز مضمون سه فیلم را به موضوع دفاع مقدس اختصاص داده‌اند، توفیق روزافزون آرزو می‌کنیم.

هیئت داوران دهمین جشنواره بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان

اصفهان، ۲۷ آبان ۱۳۷۳

□ سال‌هاست در جشنواره کودکان حضور دارید. باید به عنوان فیلمساز و یا به عنوان میهمان، جشنواره امسال را از نظر کیفی چگونه می‌بینید؟

■ والله کیفیت جشنواره متوسط بود. البته چند فیلم خوب داشتیم مثل زیران، کوه جواهر، پایان کودکی حتی فیلم کوچه و موزه که کمابیش فیلم‌های بدی نبودند. اما یک چیز مطلوب‌تر این بود که مردم امسال به لحرف جشنواره و فیلم‌ها هجوم آورده بودند. سال‌های قبل این کمتر بود. این گسترش در مردم ارزش داشت. سال‌های قبل توی جشنواره و هتل عباسی شلوغ و ملتهب بود. این گسترش در مردم ارزش داشت. سال‌های قبل توی جشنواره و هتل عباسی شلوغ و ملتهب بود. امسال بین مردم گسترده‌تر بود. ولی اگر بخواهیم مقایسه بکنیم. خوب شاید بعضی از سال‌های قبل فیلم‌های قوی‌تری داشتیم از فیلمسازان شناخته‌تر. امسال عمدتاً فیلمسازان جوان بودند و خیلی‌ها فیلم اولشان بود که امیدوارم در سال‌های بعد قوی‌تر بشوند و فیلم‌های قشنگ‌تری بسازند.

□ خیلی ممنون و خسته نباشید. اگر حرفی باقی مانده است بفرمائید؟

■ من هم متشکرم. و امیدوارم مجله شما که تلاش می‌کند در جهت توسعه فرهنگ بتواند با موفقیت انتشار یابد.